

قم عصر صفوی براساس سفرنامه‌های سیاحان اروپایی

سیدمرتضی حسینی شاه‌ترابی^۱

چکیده

این تحقیق می‌کوشد شهر قم را با توجه به گزارش سیاحان اروپایی عصر صفویه و از دریچه‌ی نگاه آنان معرفی کند. بر این اساس، دستاورد خویش را با روش توصیفی - تحلیلی در عناوین فرعی جغرافیای ریاضی، جغرافیای طبیعی، جغرافیای سیاسی - اداری، جغرافیای تاریخی، جغرافیای انسانی، جغرافیای اقتصادی و جغرافیای فرهنگی قم ارائه می‌کند. بنابر گزارش سیاحان اروپایی، قم در ارتفاع ۱۰۶۴ متری از سطح دریا، در جلگه‌ی وسیعی، مجاور رودخانه واقع شده است. این شهر در زمان‌های قدیم شهری از ایالت «مدیا» محسوب می‌شده و دوبار دست‌خوش ویرانی کامل شده است، اما از زمانی که شاه صفی اول (حک: ۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) در آن دفن شده، رونق و آبادانی دوچندان یافته است. شهر قم بعد از شاه صفی، تبعیدگاه درباریان صفوی بود و طرح کلی آن در اواخر دوره‌ی صفویه به شکل مربع مستطیلی بود که از سوی شرق به سمت غرب گسترده شده بود و بیش از ۴۴۴ مقبره‌ی منسوب به امام‌زادگان در حوالی آن وجود داشت. اقتصاد شهر قم متکی به کشاورزی و درآمد حاصل از سیاحت و زیارت بود و حرفه‌های مانند سفال‌گری، قالی‌بافی، جوشن‌سازی، چرم‌سازی، صابون‌سازی، شمشیرسازی در آن رواج داشت.

واژگان کلیدی

قم، صفویه، تاریخ اسلام، تاریخ تشیع، سفرنامه، سیاحان اروپایی.

۱. دانش‌پژوه دکتری تاریخ تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه - Parsistudent@gmail.com

مقدمه

شهر قم در دوران حکومت صفویه گذرگاه کاروان‌هایی بود که به منظور سیاحت یا مأموریت‌های سیاسی از اروپا به ایران می‌آمدند و برای رسیدن به پایتخت صفویان به‌ویژه اصفهان از قم می‌گذشتند. کمتر کاروانی بود که از راه خاکی شمال و شمال غرب وارد ایران شود و از این شهر نگذرد؛ به‌ویژه در دوره‌ی دوم حکومت صفویان. از سویی، بنای بارگاه حضرت معصومه علیها السلام و سپس، خاک‌سپاری برخی از پادشاهان صفوی در جوار مزار آن حضرت علیها السلام، شهر قم را جلوه‌ای دوچندان می‌داد و توجه سیاحان اروپایی را برمی‌انگیخت. ثبت اطلاعات مهم و ارزشمند جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی این شهر در سفرنامه‌های اروپایی حاصل این توجه است. گزارش‌های ثبت‌شده در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی، داده‌هایی مهم و کم‌بدیلند که در دیگر منابع تاریخ صفوی بسیار کم یافت می‌شوند. از سوی دیگر، تحقیق مستقلی که بر اساس این گزارش‌ها به توصیف شهر قم در دوره‌ی صفویه پردازد، بدست نیامد. محدود نگاشته‌های غیرمستقلی هم که درباره‌ی قم در سفرنامه‌های عصر صفوی، نگارش یافته‌اند، به‌طور عمده، نقل قول‌های مستقیمی‌اند که تصویری نامتوازن از این شهر ارائه می‌دهند. بر این اساس، نگاشته‌ی حاضر به نگارش درمی‌آید و می‌کوشد با تکیه بر داده‌های تاریخی سفرنامه‌های سیاحان اروپایی عصر صفوی تصویر به نسبت روشنی از شهر قم در این قلمرو زمانی بازسازی و ارائه کند. بدین منظور، به سفرنامه‌های اروپایی ترجمه شده به زبان فارسی بسنده کرده و اطلاعات خویش را زیر عناوین جغرافیای ریاضی، طبیعی، سیاسی - اداری، تاریخی، انسانی، اقتصادی و فرهنگی قم ارائه می‌دهد.

۱. جغرافیای ریاضی قم

بنابر محاسبه‌ی فیگوئروا، شهر قم به لحاظ جغرافیایی در ۳۴ درجه و چهار دقیقه از خط استوا قرار گرفته است (فیگوئروا، ۲۵۰) و کاری - جهانگرد ایتالیایی - عرض جغرافیایی قم را ۳۵ درجه و طول جغرافیایی آن را ۶۹ درجه می‌داند؛ (کاری، ۵۳) اما به باور شاردن، عرض جغرافیایی قم ۳۴ درجه و ۳۰ دقیقه و طول جغرافیایی آن ۸۵ درجه و ۴۸ دقیقه می‌باشد. (شاردن، ۷۸/۳) این شهر در ارتفاع ۱۰۶۴ متری از سطح دریا قرار دارد (گرس، ۱۹۶) و محیطش در زمان سلطنت شاه

سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵۹ ق.) حدود هفده کیلومتر بوده است. (کارری، ۵۳)

۲. جغرافیای طبیعی قم

قم براساس سفرنامه‌های سیاحان اروپایی عصر صفویه در جلگه (تاورنیه، ۸۱؛ دولیه دلد، ۱۷) و دشتی وسیع، (شاردن، ۶۰/۳) در مجاورت رودخانه، (دولیه دلد، ۱۷) و در طول آن، در مقابل کوه بلندی که در عصر صفوی نیم ساعت راه با آن فاصله داشت، بنا شده بود. (شاردن، ۶۰/۳-۶۱) در ایام تابستان آب نهري که از شهر می‌گذشت بسیار کم می‌شد؛ اما در اوایل بهار، آب‌شدن برف‌ها و سرازیرگشتن آب‌های کوهستانی اطراف، همین نهر را به طغیان وا می‌داشت؛ (شاردن، ۷۸/۳) به‌طوری که در دوره صفویه دو نوبت طغیان کرد: طغیان نخست در دوران شاه صفی اول (حک ۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق.)، در سال ۱۰۴۴ ه.ق. / ۱۶۳۴ م. و طغیان دوم در دوران حکومت شاه سلیمان صفوی (حک ۱۰۷۷-۱۱۰۵۹ ق.) بود. (شاردن، ۸۰/۳) بستر نهر مذکور که رودخانه قم خوانده می‌شد، بنابر تخمین شاردن به پهنای «سن پاریس» بود و مجرای نهر در نتیجه‌ی اضافه‌شدن مجاری جبال اطراف پر می‌شد و به سوی شهر می‌آمد و اسم حقیقی آن جوبیادگان (Joubadgan) بود (شاردن، ۷۸/۳). فیگوئروا که در سال ۱۰۲۷ ه.ق. / ۱۶۱۸ م. آن را دیده است می‌نویسد:

«این رودخانه خشک بود، اما آن‌گونه که از پهنای و عمق بسترش حدس زده می‌شد در فصل باران یا فصل بهار و هنگام ذوب شدن برف‌ها آب زیادی در آن جاری می‌شد.» (فیگوئروا، ۲۵۳)

به گزارش اولتاریوس، شهر قم در جلگه‌ی هموار و مسطحی واقع است که ارتفاعات الوند از فاصله‌ی بسیار دور، در مشرقش دیده می‌شود؛ دو رودخانه نیز در نزدیکی‌اش وجود دارند که به یکدیگر پیوسته و از وسط شهر می‌گذرند. (اولتاریوس، ۵۲۷/۲)

هوای قم بسیار گرم و گرمایش همیشه‌آزاددهنده بوده است، به‌اندازه‌ای که «در تابستان، مردم جزغاله می‌شوند؛ به‌طوری که در سرتاسر ایران منطقه به این گرمی وجود ندارد.» (شاردن، ۷۸/۳) با این حال در قم برنج فراوانی عمل می‌آمده و میوه‌های خوبی داشته است، به‌خصوص انارهایی درشت و خوب. (تاورنیه، ۸۲) گندم و اقسام میوه، در اطراف شهر به

فراوانی برداشت می‌شده (کارری، ۵۴) و خربزه، هندوانه (دلاواله، ۳۴۷) و خیارچنبر (اولثاریوس، ۵۲۷/۲-۵۲۸) مهم‌ترین محصولات صیفی‌اش بوده است.

۳. جغرافیای سیاسی - اداری قم

در عصر شاه صفی اول (حک ۱۰۳۸-۱۰۵۲.ق.)، حاکم قم، خانی بود که تاورنیه او را مردی نجیب و مؤدب دانسته و می‌گوید: «هیچ مسافر خارجی نیست که رفتار او را تمجید نکرده باشد». (تاورنیه، ۸۵) پسر این خان، از ملازمان و مقربان پادشاه صفوی و متصدی دادن چیق و توتون شاه صفی به او بود؛ کاری که از مشاغل بسیار مهم و محترم دربار به‌شمار می‌رفت. خان قم، در سال ۱۰۴۲.ق. / ۱۶۳۲م. خودسرانه و بی‌اجازه‌ی شاه برای سبدهای میوه‌ای که وارد شهر می‌شد، مالیات وضع کرد تا از درآمدش بودجه‌ی لازم برای تعمیر و بازسازی قلعه‌ی قم و پل رودخانه را تأمین کند. گماشتگان مخصوص شاه که در تمامی شهرها، از جمله قم، وظیفه‌ی کنترل نرخ روزانه ارزاق را برعهده داشتند، خبر را به گوش شاه رساندند. شاه صفی خشم‌گینانه از اقدام خودسرانه‌ی خان قم، دستور داد او را در غل و زنجیر به اصفهان بیاورند. سپس، به پسر خان که در دربار بود فرمان داد: ابتدا سبیل‌های پدر زنجیرشده را بکند؛ سپس، بینی و گوش‌هایش را ببرد؛ بعد از آن، چشم‌هایش را بترکاند و بالاخره سر از تنش جدا کند. پسر به‌ناچار بدون تخلف دستور را اجرا کرد و سپس شاه صفی، او را به‌جای پدرش به حکمرانی قم منصوب کرد و پیرمردی عاقل را به نیابت از او مقرر نمود و هر دو را با حکمی به این مضمون به سوی قم فرستاد:

«اگر تو از آن سگی که به درک رفت بهتر حکومت نکنی، تو را به سخت‌ترین قسمی از اقسام به قتل خواهیم رسانید.» (تاورنیه، ۸۵-۸۶)

قم بعد از شاه صفی (حک ۱۰۳۸-۱۰۵۲.ق.) به تبعیدگاه صفویه تبدیل شد؛ به‌طوری که پسر و جانشینش - شاه عباس دوم (حک ۱۰۵۲-۱۰۷۷.ق.) - در موارد متعدد رجال و بزرگانی را که مورد خشمش قرار می‌گرفتند، به قم تبعید و توصیه می‌کرد در آن‌جا دعاگوی پادشاه صفویه و شکرگزار درگاه خداوند باشند چون شاه از خون و جان‌شان گذشته و باقیمانده‌ی عمرشان را به سلامت می‌گذرانند. شاه سلیمان (حک ۱۰۷۷-۱۱۰۵.ق.) هم مثل پدرش عده‌ی بسیاری از بزرگان

صفویه را به قم تبعید کرد. (شاردن / ۳ / ۸۰)

در عصر شاه سلیمان (حک ۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق.ه) ۸۲ ایالت از ایالت‌های قلمرو صفویه را خان‌ها و ۳۷ ولایت دیگر را وزیران اداره می‌کردند. شهر قم از جمله ۳۷ ولایتی بود که یک وزیر آن را اداره می‌کرد. تفاوت خان و وزیر در این بود که خان به‌طور معمول، یک یا چند فوج سرباز تحت امر داشت؛ باید آن‌ها را ورزیده و آماده نگه می‌داشت و اضافه بر آن، حکومت قضایی منطقه نیز تحت فرمانش بود. در صورتی که وزیر، استقلال محدود و اختیار اندکی داشت؛ حتی در رتق و فتق پاره‌ای از کارها و قضاوت درباره‌ی برخی از مسائل حوزه‌ی تحت امرش به یکی از خان‌های نزدیک رجوع می‌کرد. (کارری، ۱۴۰) وزیران، در حقیقت پیش‌کاران شاه بودند که وظیفه‌ی اصلی‌شان گرفتن مالیات غلات، تعیین مخارج مالیات و ارسال و تحویل سهم موظف سالیانه به دفترخانه‌ی توزیع بود. (کمپفر، ۱۱۱) به‌واقع، در دوران شاه سلیمان صفوی قم یکی از املاک خاصه یا سلطنتی دربار بود و در بودجه‌ی دربار شاهنشاهی، بزرگ‌ترین رقم درآمد نیز از این گونه املاک بود. درآمدهای حاصل از این املاک، از دیرباز مخارج دربار، صاحب‌منصبان، لشکریان و کارکنان را تأمین می‌کرد و هر آن‌چه باقی می‌ماند در خزانه جای می‌گرفت. (کمپفر، ۱۱۱) شاردن نیز می‌نویسد: «**قم، عنوان دارالموحدین دارد و مقام حکومت شهر داروغه است.**» (شاردن، ۳/۸۱)

۳-۱. مسافت قم تا شهرهای مجاور

کاتف - سفیر روسیه در دوره‌ی شاه عباس اول (حک ۹۹۶-۱۰۳۸ ق.ه) - در حدود سال‌های ۱۰۳۲-۱۰۳۳ ق.ه/۱۶۲۳-۱۶۲۴ م. هر کدام از مسافت‌های ساوه تا قم و قم تا کاشان را در دو روز طی کرده که هر دو مسیر از جلگه‌های کوهستانی می‌گذشت. (کاتف، ۶۰-۶۱) پیتر دلاواله که چند سال پیش‌تر از او در سال ۱۰۲۸ ق.ه/۱۶۱۹ م. این راه را طی کرده بود، فاصله‌ی ساوه تا قم را ده فرسنگ (دلاواله، ۳۴۶) و فاصله‌ی قم تا کاشان را حدود پانزده فرسنگ (دلاواله، ۳۴۷) بر می‌شمرد. این درحالی است که جوزافا باربارو - جهانگرد ونیزی - پیش از روی کارآمدن صفویان و در زمان اوزون حسن حدود ۸۷۹ ق.ه/۱۴۷۴ م. فاصله‌ی قم تا کاشان را سه روز راه و از قم تا ساوه را یک روز راه می‌نویسد. (جمعی از سیاحان ونیزی، ۹۱)

مقایسه‌ی گزارش سیاحان اروپایی عصر صفوی با سیاح ونیزی روشن می‌کند که شهر قم قبل از صفویه وسعت کمتری داشته و پس از قدرت‌گیری صفویه، به سوی کاشان گسترش یافته است؛ البته، ساوه پیش از ظهور صفویه، نسبت به بعد از آن وسعت بیش‌تری داشته است. به‌خصوص که دلاواله شهر ساوه را شهری کوچک و قم را از شهرهای متوسط ایران معرفی می‌کند. (دلاواله، ۳۴۶)

۳-۲. سازمان اداری آستانه مقدسه

شاه سلیمان صفوی (حک ۱۰۷۷-۱۱۰۵ ه.ق.) سه تن از شخصیت‌های معتبر کشور را به تولیت قم گماشت که هریک از آن‌ها سرپرست یکی از بارگاه‌های سه‌گانه‌ی آستان حضرت معصومه علیها السلام شدند و گنجینه‌ها، اموال و دارایی‌های مزارات - مزار حضرت معصومه علیها السلام، شاه صفی اول و شاه عباس دوم - را نظارت می‌کردند و بودجه و عایدات مربوطه با رأی و مشاوره‌ی آنان تنظیم می‌شد. عنوان رسمی این متولیان، تربتدار بود. یکی از این سه تربتدار پیش از آن قورچی‌باشی و مرتبه‌اش بالاتر از دوتای دیگر بود و حاکم قم هم محسوب می‌شد. تربتداران سه‌گانه موظف بودند هر یک از مقام‌های پنج‌گانه‌ی زیر را نصب و گزینش کنند:

۱. **امام جماعت**؛ امام جماعت، نماز جماعت به‌ویژه نماز جمعه و قرائت ادعیه و اذکار اسلامی برپا می‌کرد؛

۲. **مؤذن**؛ موظف بود ساعت‌های عبادی را به‌وسیله‌ی گفتن اذان، از فراز مسجد اعلان کند؛

۳. **قندیلچی**؛ متصدی روشنایی شمع‌ها و قندیل‌ها بود؛

۴. **قَمی**^۱؛ موظف بود محوطه مسجد را نظافت و آبپاشی کند؛

۵. **آب‌کش**؛ متصدی تهیه‌ی آب لازم برای وضو و تطهیرها بود. (شاردن، ۷۷/۳)

هشت نفر روحانی هم موظف بودند شبانه‌روز در کنار مرقد حضرت معصومه علیها السلام قرآن بخوانند. این قرآء با زهد و تقوای حیرت‌آوری قرائت می‌کردند و به واردشوندگان و خارج‌شوندگان حتی ذره‌ای هم توجه نمی‌کردند. دوازده روحانی دیگر در جوار مرقد شاه صفی و بیست و پنج نفر هم در کنار مدفن شاه عباس، به همان ترتیب قرآن، تلاوت می‌کردند. آن‌ها به هنگام قرائت قرآن،

1. kamy.

به‌طور مرتب سرشان را به چپ و راست حرکت می‌دادند و گاهی نیز به جلو و عقب می‌بردند. این شیوه‌ی قرائت برایشان دقت بیش‌تر، خلوص و عبودیت می‌آورد. (شاردن، ۳/ ۷۵)

۴. جغرافیای تاریخی قم

دلّ‌واله با استناد به کتاب شرح جغرافیا،^۱ نام قدیم قم را «قوانا» و شهری از ایالت «مدیا» یاد می‌کند. (دلّ‌واله، ۳۴۶) اولئاریوس نیز قم را شهری بسیار قدیمی معرفی می‌کند که در کتاب‌های شرق‌شناسان با نام «گریانا» و بسیار بزرگ و آباد توصیف می‌شد. (اولئاریوس، ۵۲۷/۲) برخی از گزارش‌ها نیز از بنای آن در سال ۲۰۳ میلادی خبر داده‌اند. (گرس، ۱۹۶)

شاردن با استناد به آرای دانشمندان فن نقشه‌برداری، مدعی می‌شود که قم، همان شهری است که بطلمیوس آن را «گونا»^۲ یا «گوریانا»^۳ خوانده است و مترجم بطلمیوس معتقد است مقصود بطلمیوس، «کوآما»^۴ بوده است و برخی از محققان نیز معتقدند که قم، «آربایت»^۵ و یا «هکاتوم پیل»^۶ باستان است. او گزارش می‌دهد که در کتاب‌های متعدد تاریخی ایران، شهر قم شهری بسیار قدیمی معرفی شده و بنای آن در دوره‌ی طهماسب به طالع جوزا گذاشته شده است، شهری که محیطش در آن زمان بالغ بر دوازده هزار ذراع و در عظمت با شهر بابل هم‌طراز بوده است. (شاردن، ۳/ ۷۹-۸۰)

شاردن گرچه باستانی‌بودن بنای شهر را آشکار نمی‌بیند، عظمت گذشته‌ی بنای شهر را مسلّم و محقق می‌شمرد؛ چون در اطراف و اکناف آن هنوز هم «آثار» و اطلال دوره‌های تاریخی گذشته را می‌بیند. او در بررسی تاریخی بنای شهر قم به گزارش‌های مخالفی که تاریخ بنای شهر را به سده‌ی اول هجری قمری می‌رساند نیز توجه و اشاره می‌کند؛ گزارش‌هایی که حاکی از وجود هفت دهکده‌ی بزرگ در دوره‌ی پیامبر خدا ﷺ است و در سال ۸۳ هجری، وقتی عبدالله زیدان

-
1. Epitome Geografica.
 2. Gauna.
 3. Gurina.
 4. Choama.
 5. Arbaete.
 6. Hecatompille.

با سپاهش به این طرف می‌آید، بناها و عمارت‌های جدید می‌سازد و به این شکل، هفت دهکده‌ی بزرگ را به هم متصل می‌کند. سپس، گرداگرد تمامی آن‌ها یک بارو می‌کشد و بدین ترتیب شهری به وجود می‌آورد که بعدها در بزرگی و عظمت با قسطنطنیه برابری می‌کند. او ورود عقاید شیعه امامیه به قم را پیامد آمدن موسی بن عبدالله از بصره به قم می‌داند و بیان می‌کند که امیر تیمور گورکانی به‌خاطر مخالفت با شیعه‌ی امامیه و پیروی از مذهب اهل سنت، قم را به‌طور کامل ویران کرد و بعدها به مرور زمان، ساختمان‌ها و بناهای شهر بازسازی و تعمیر شد، اما آبادانی واقعی این شهر در سده‌های اخیر، به‌ویژه از زمانی است که شاه‌صفی در قم دفن گردید. (شاردن، ۳/ ۷۹-۸۰)

۵. جغرافیای انسانی قم

«باربارو»ی ونیزی که قم را در اواخر قرن نهم هجری دیده است، آن را شهری بسیار خشن و ناتراشیده با تاکستان‌ها و باغ‌های فراوان توصیف می‌کند. (جمعی از سیاحان ونیزی، ۸۱) اما دیگر جهانگرد ونیزی - آمبروزیو کنتارینی - در همان سال‌ها، قم را شهری کوچک و زیبا معرفی می‌نماید که در دشت قرار گرفته و پیرامونش را دیواری از خشت خام و گلین کشیده‌اند و بازارهای خوبی نیز دارد. (جمعی از سیاحان ونیزی، ۱۳۹؛ کنتارینی، ۳۸)

فیگوئروا که در سال ۱۰۲۷ ه.ق. ۱۶۱۸ م. - دوره‌ی شاه عباس اول (حک ۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق.) - از مسیر کاشان وارد قم شده است، حرم حضرت معصومه علیها السلام را باشکوه‌ترین بنای شهر می‌داند و گزارش می‌دهد که پس از پشت سر گذاشتن دیوار مسجد جامع و بخش پرجمعیت حومه‌ی شهر، پل بسیار بزرگی است که ارتباط‌دهنده‌ی دو سوی رودخانه به یکدیگر است و به هنگام عبور از روی آن، سمت چپ جاده و نزدیک به شهر، بنای باشکوه بارگاه حضرت معصومه علیها السلام دیده می‌شود. (فیگوئروا، ۲۵۳)

به گزارش دلاواله، قم در سال ۱۰۲۸ ه.ق. / ۱۶۱۹ م. با وجود داشتن کاروان‌سرا، یکی از شهرهای متوسط ایران بود و گرچه جمعیت کمتری داشت و کوچک‌تر از کاشان بود، در موقعیت مناسب‌تری از کاشان واقع شده و زیباتر بود؛ کوچه و بازارهایش به نسبت خوب و تمیز و میدان شهر به اندازه‌ی کافی جادار و مناسب بود و روی هم‌رفته شهری زیبا و دل‌گشا به‌نظر

می‌آمد. (دلاواله، ۳۴۷)

اولثاریوس - در دوره‌ی شاه صفی (حک ۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق.) - گزارش می‌دهد که رودخانه‌ی قم از وسط شهر می‌گذرد و در داخل و خارج شهر، باغ‌های زیادی است که پوشیده از درختان میوه‌اند، اما کوچه و خیابان‌های شهر مانند معابر عمومی قزوین در این دوره خاکی‌اند و سنگ‌فرش ندارند. (اولثاریوس / ۲ / ۵۲۷)

به گزارش تاورنیه در سال ۱۰۴۲ ه.ق. / ۱۶۳۲ م. شهر قم حصار و بارویی از خاک و گل و برج‌های متعددی با فاصله‌های کم از یکدیگر داشت؛ تمامی خانه‌ها از خاک و گل بود و داخل‌شان تمیز بود. ورودی شهر پلی سنگی بر روی رودخانه بود که به سمت راست می‌پیچید و به کاروان‌سرای عالی و راحتی می‌رفت. (تاورنیه، ۸۲) در سال ۱۰۷۵ ه.ق. / ۱۶۶۴ م. - عصر شاه عباس دوم - شهر قم یکی از بزرگ‌ترین شهرهای قلمرو صفویه به شمار می‌آمد و بارگاه حضرت معصومه علیها السلام دیدنی‌ترین بنای آن بود. (دولیه دلد، ۱۷)

به گزارش کارری - در زمان شاه سلیمان صفوی (حک ۱۰۷۷-۱۱۰۵ ه.ق.) - برج و باروی شهر قم در نتیجه‌ی بارش باران ویران شده بود، خانه‌های شهر هم همین حال را داشتند و میدان شهر، کثیف و زنده و مغازه‌های کوچک و خالی بودند، اما تعدادی مسجد زیبا در شهر وجود داشت. به نظر وی اگر هزینه‌های هنگفتی را که برای ساختن مساجد تازه خرج می‌شود برای تعمیر و نگهداری مساجد قدیمی شهر خرج می‌کردند، مساجد قدیمی از خرابی و ویرانی نجات می‌یافت، اما به‌جای آن، هر شخص ثروتمندی برای آمرزش گناهان و زنده ماندن نامش، مسجد تازه‌ای می‌سازد، حتی اگر چند سال پس از مرگش به تلی از خاک تبدیل شود. (کارری، ۵۳-۵۶)

سیاح دیگری نیز بر این نکته تأکید می‌کند که «ایرانیان بیش‌تر دوست دارند چیز تازه‌ای بسازند تا این‌که به مرمت ابنیه‌ی قدیمی و کهنه بپردازند». (دولیه دلد، ۱۲)

به همین دلیل بود که روز به روز بر شمار مساجد ویران اضافه می‌شد. بنای مساجد آجری بود و کاروان‌سراهای قم تا حدی راحت و بعضی هم دو طبقه بودند. (کارری، ۵۳-۵۶) بی‌احترامی راه‌دارهای قم نسبت به مسافران از راه‌دارهای دیگر شهرها کمتر بود گفتنی است در اواخر دوره‌ی صفویه وجود ضراب‌خانه‌ای در قم گزارش شده که تعطیل بود و کسی در آن کار

نمی‌کرد. (کارری، ۵۶)

شاردن طرح کلی شهر قم را در دوران شاه سلیمان صفوی به شکل مربع مستطیلی توصیف کرده که از طرف شرق به سمت مغرب گسترده شده است. او تعداد منازل مسکونی شهر را براساس گزارش مردم محلی، پانزده هزار باب می‌شمرد. به گزارش او اطراف و اکناف قم را باغ‌ها و بستان‌ها گرفته بود و اضافه بر آن، باغ‌های بزرگی هم در نزدیکی رودخانه وجود داشت که گردش‌گاه اهالی قم بوده است. در یکی از این باغ‌ها قبر رستم خان گرجی از سلسله سلاطین مسلمان شده‌ی گرجی است. دو دیواره‌ی عالی در لبه‌ی رودخانه، به طول نهر و درازای خود شهر وجود داشت و پل باشکوه شهر در منتهی‌الیه شرقی رودخانه بنا شده بود. اضافه بر این‌ها شهر قم بازارهای بزرگ و خوبی داشت که خرید و فروش عمده و خرده در آن‌ها انجام می‌پذیرفت. (شاردن، ۳/ ۶۰-۶۱)

وضعیت شهرسازی و بافت جمعیتی قم به گونه‌ای بود که سیلاب و طغیان رودخانه‌ی قم در سال ۱۰۴۴ ه.ق. / ۱۶۳۴ م. هزار باب خانه را خراب کرد و در سیلاب دومی که در دوران شاه سلیمان صفوی رخ داد، چیزی نمانده بود تمام شهر ویران شود، چنان‌چه دو هزار خانه و عمارت قدیمی خراب و نابود شد. (شاردن، ۳/ ۸۰) ساکنان قم برای تهیه‌ی آب آشامیدنی، از منابع زیرزمینی و سرداب‌هایی که با چهل یا پنجاه پله‌ی بزرگ به اعماق زمین هدایت می‌شد، استفاده می‌کردند. آب این منابع بسیار سرد و گوارا بود و از چشمه‌هایی که در همان محل از زمین بیرون می‌آمدند، به دست می‌آمد و به وسیله‌ی یک شیر، باز و بسته می‌شد. (شاردن، ۳/ ۶۱-۶۲)

۵-۱. امامزادگان قم

بنابر توصیف شاردن، مسافران به هنگام نزدیک شدن به قم، در هر گوشه و کنار آن با مقابر و مساجد کوچکی روبرو می‌شدند که مدفن نوادگان و نبیرگان امام علی (ع) بود و از نظر اروپاییان به منزله‌ی فرزندان حواریون مسیحی بودند؛ امامزادگانی که در نظر ایرانیان، قدیس بودند و فقط در اطراف قم بیش از ۴۴۴ مقبره داشتند. (شاردن، ۳/ ۵۹)

۵-۲. وضعیت اجتماعی

در دوره شاه عباس اول حدود سال ۱۰۲۸ ه.ق. / ۱۶۱۸ م. فقر و تنگ‌دستی در بین عامه‌ی مردم

قم شیوع داشت (فیگوئروا، ۲۵۱-۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴) و جمعیت قم به اندازه‌ای بود که وقتی مردم و حاکمان شهر برای استقبال سفیر اسپانیا و همراهانش از شهر خارج می‌شدند، انبوه جمعیت، سراسر دشت حومه‌ی قم را می‌پوشاند. تعداد مردم به قدری زیاد بود که از نظر مسافران خارجی تا آن زمان بی‌سابقه بود؛ به‌طوری که مجبور شدند راه کم باقیمانده تا شهر را در مدت زمانی طولانی طی کنند و از بزرگی و پرجمعیتی شهر شگفت‌زده شده بودند. جالب این که در بین تمام جمعیت حتی یک زن هم نبود، درحالی که در شهرهای دیگر بیش‌تر تماشاچیان را زنان تشکیل می‌دادند. (فیگوئروا، ۲۴۹) صرف نظر از فقر عامه‌ی مردم در دوران شاه عباس اول، قم از جمله شهرهای مرفه عصر صفوی و هم‌ردیف با تبریز، کاشان، مشهد، یزد و اصفهان بود. (فربر، ۵۴) مردم قم در جنگاوری و سربازی جزو بهترین‌ها بودند و همیشه جسارت‌شان را در نظامی‌گری نشان داده بودند؛ گرچه گاهی این جسارت برایشان ناگوار آمده بود و همین جسارت و مقاومت‌شان در برابر لشکر تیمور موجب ویرانی کامل شهر شده بود. (فیگوئروا، ۲۴۹-۲۵۰)

۳-۵. آستان حضرت معصومه علیها السلام

بارگاه حضرت معصومه علیها السلام چشم‌نوازترین منظره‌ی قم در نظر سیاحان اروپایی بود. (دولیه دلد، ۱۷؛ تاورنیه، ۸۲) این مکان مقدس را که مدفن حضرت معصومه علیها السلام، شاه صفی اول (حک ۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق.ه) و شاه عباس دوم (حک ۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق.ه) بود، به‌طور کلی آستان حضرت معصومه علیها السلام می‌نامیدند. (شاردن، ۷۶/۳) شاردن یادآور می‌شود که مزار حضرت فاطمه معصومه علیها السلام سه بار تجدید بنا و تعمیر شده و مردم معتقدند که به فرمان خداوند آن حضرت علیها السلام به آسمان‌ها عروج کرده است، در مزار چیزی وجود ندارد و بنا و بارگاه فقط برای نمای ظاهری تعبیه شده است. (شاردن، ۷۰/۳) به‌نظر می‌رسد شاردن از کسی درباره‌ی فلسفه و حکمت بارگاه حضرت معصومه علیها السلام و علت زیارت و توجه مردم به آن پرسیده و پاسخ‌دهنده برای تفهیم بهتر مطلب و تقریب به ذهن شاردن پاسخ را با استفاده از مثال‌های مسیحی بیان کرده است و بدین ترتیب، این روایت مسیح‌گونه از وفات و مزار حضرت معصومه علیها السلام در ذهن او شکل گرفته و انتقال یافته است.

در عصر شاه سلیمان صفوی، حرم حضرت معصومه علیها السلام یکی از برجسته‌ترین، بزرگ‌ترین و

زیباترین بقاع متبرکه‌ی ایران بود و هم‌ردیف حرم امام رضا علیه السلام و بقعه‌ی شیخ صفی معرفی می‌شد. (کمپفر، ۱۳۶) حکومت نیز اداره‌ی امور و موقوفات این بقاع را به افرادی ویژه می‌سپرد و متولیان را برایش برمی‌گزید. شاه سلیمان از زمانی که صدر خاصه‌ی دربارش در سال ۱۰۹۱ ه.ق. / ۱۶۸۰ م. شغل خود را از دست داد، خودش به‌طور شخصی امور موقوفات سلطنتی را رسیدگی می‌کرد و بدین ترتیب، سمت تولیت عظمی را نیز داشت. (کمپفر، ۱۲۹)

در سال ۱۱۱۹ ه.ق. / ۱۷۰۷ م. مرقد مقدس حضرت معصومه علیها السلام که گنبد سر به فلک برافراشته‌اش در زیر تابش آفتاب، در متن آسمان آبی، تالُلویی خیره‌کننده داشت، توجه سیاحانی هم‌چون «لابرولاندیر» را به خود جلب می‌کرد. جلو خان این بارگاه را چند ستون ظریف، استوار نگه می‌داشت و مناره‌های اطرافش فوق‌العاده تماشایی بودند. این گنبد و بارگاه علاوه بر جنبه‌ی تقدس، راهنمای خوبی هم برای مسافران بود و آن‌ها را از فاصله‌ی بیست فرسنگی راهنمایی می‌کرد. (گرس، ۱۹۶)

پشت و کنار بارگاه مزارهای سه‌گانه، محوطه‌های بسیار زیبا، عمارت‌های بسیار تمیز و مفروش و محفوظ و باغ‌های کم‌وسعت فوق‌العاده باصفایی بود و در سمت چپ، گورستان بزرگی به مساحت ۱۵۰۰ گام مربع وجود داشت که به‌طور معمول اجساد بزرگان و متنفذان را از اطراف و اکناف قلمرو صفویه به آنجا آورده دفن می‌کردند؛ در سمت راست آستان مقدس نیز یک دیوار عریض و ضخیم آجری کشیده بودند تا به عنوان سدی، از طغیان رودخانه قم جلوگیری کند. (شاردن، ۳/ ۷۶)

۶. جغرافیای اقتصادی قم

«باربارو»ی ونیزی که شهر قم را در اواخر قرن نهم هجری دیده است، براین باور است که قم جای پیشه‌وران نیست، چون تاکستان‌ها و باغ‌های فراوان خربزه دارد و مردمش از راه کشاورزی معاش به‌دست می‌آورند. (جمعی از سیاحان ونیزی، ۸۱) اما دیگر جهانگرد ونیزی - آمبروزیو کنتارینی - در همان سال‌ها قم را شهری کوچک و زیبا معرفی می‌کند که بازارهای خوبی دارد؛ بازار صنعتگران و فروشندگان قماشش پررونق است و هر چیز به مقدار فراوان در آن یافت می‌شود. (جمعی از سیاحان ونیزی، ۱۳۹؛ کنتارینی، ۳۸)

به گزارش کاتف، از قم با شتر به قلمرو شاهی مولتانیسکی^۱ و هند می‌رفتند. (کاتف، ۶۱) برخی از نقل‌ها نیز حاکی از آن است که قم در سال ۱۱۱۹ ه.ق. / ۱۷۰۷ م. مرکز تجاری مهمی بوده است که بازرگانانی از سرتاسر آسیا در آن با هم ملاقات و داد و ستد می‌کردند. (گرس، ۱۹۷) اما شاردن می‌نویسد: «**قم موقعیت تجاری ندارد.**» گرچه اذعان دارد که در شهر قم بازارهای بزرگ و خوبی است که خرده‌فروشی و عمده‌فروشی در آن‌ها صورت می‌گیرد. (شاردن، ۶۰/۳-۶۱)

اقتصاد شهر قم متکی به کشاورزی و درآمد حاصل از سیاحت و زیارت بود و قرار گرفتن قم در زمره‌ی املاک خاصه، بیان‌گر عایدات چشم‌گیر شهر قم در این دوره است. در املاک خاصه، حکومت، زمین‌های کشاورزی را مادام‌العمر به دهقانان اجاره می‌داد تا کشت و زراعت کنند. دهقانان موظف بودند که سهم معینی از حاصل را سالیانه به شاه بدهند و باقیمانده را به‌عنوان مزد زحمت‌شان بردارند. سهمی که یک دهقان موظف به پرداخت آن بود، در هر کجا بر اساس عرف محل مورد بحث، نوع میوه‌های درختی و صیفی و همچنین اوضاع و احوال محلی مشخص می‌شد. در برخی نواحی ثلث محصول گندم و جو به دهقان می‌رسید، درحالی‌که دو سوم دیگر آن سهم شاه می‌شد. در این مورد اداره‌ی املاک خاصه، بذر را می‌داد و حفر قنات را برای آبیاری مزرعه‌ها اجازه می‌داد. دهقان نیز به سهم خود متعهد می‌شد که با گاو، گاوآهن و وسایل خود زمین را شخم بزند و کود بدهد. هرگاه شاه، علاوه بر بذر و گاوآهن، اسباب و وسایل را هم می‌داد و دهقان را از قید و بند بیگاری آزاد می‌کرد، فقط یک ربع محصول برای دهقان باقی می‌ماند. اگر باز هم بعد از همه این‌ها، شاه کارگرهای لازم برای مزرعه را نیز خود تأمین می‌کرد، سهم دهقان به یک هشتم کاهش می‌یافت. در صورتی که دهقان بدون هیچ کمکی برنج، ارزن، پنبه، عدس، یونجه، هندوانه، خربزه و لیموترش می‌کاشت دو پنجم آن به او و سه پنجم دیگرش به شاه می‌رسید. در مورد کشت خشخاش که به کار تهیه تریاک می‌آمد، ۵۵ درصد محصول بابت دسترنج به کشت‌کار داده می‌شد و بقیه به شاه می‌رسید. در مورد صیفی‌جات، انگور و دیگر میوه‌های باغداری که در مزرعه‌ها کشت می‌شد، دفترخانه خاصه، دریافت بهره را به‌صورت جنسی نمی‌پسندید و حتی در این مورد میزان محصول هم تأثیری نداشت. قیمت معتبر محصولی

۱. مولتان = شهری در پاکستان غربی.

را که سهم شاه می‌شد مطالبه می‌کرد و پانزده درصد بر آن می‌افزود، اما در مورد غله، از هر نوعی که بود، می‌خواستند که بهره‌ی مقرر از عین جنس تحویل گردد. مبلغ یک درهم نقره نیز بر روی هر صد من می‌افزودند و کار به همین جا ختم نمی‌شد؛ اضافه‌ی دیگری هم از محصول غلات و سبزی می‌گرفتند که به دو درصد بهره متعلقه بالغ می‌شد و آن را نیز باید نقداً می‌پرداختند. باید قیمت اجناسی را که بابت بهره‌ی مالکانه‌ی املاک سلطنتی به‌صورت جنس تحویل شده بود، معین می‌کردند. برخلاف املاک شاه، آن اراضی که در تملک خصوصی بود از پرداخت عوارض یاد شده معاف بود و از آن‌ها به‌طور روزانه مبلغ معتدلی مطالبه می‌شد که البته برحسب میزان طمع مستوفی خاصه، گاهی مبالغی هم بر آن می‌افزودند. (کمپفر، ۱۱۲-۱۱۴)

۶-۱. بودجه آستان حضرت معصومه علیها السلام

در عصر شاه سلیمان، بودجه‌ی سالیانه‌ی آستان حضرت معصومه علیها السلام ۳۲۰۰ تومان (معادل ۱۴۴۰۰۰ لیره‌ی فرانسوی) بود.^۱ از این مقدار، ۱۵۰۰ تومان برای مرقد شاه عباس دوم، هزار تومان برای مزار شاه صفی اول و هفتصد تومان هم به بارگاه حضرت معصومه علیها السلام اختصاص داشت. این وجوهات برای نگهداری بنای بارگاه‌ها، مرمت خرابی‌هایی که طی گذشت زمان در آن‌ها پدید می‌آمد و به جهت نگهداری از اثاثیه و لوازم، شمع‌ها، مشعل‌ها و به‌منظور تأمین معاش روحانیون متعدد مقیم آستانه و اطعام و انفاق عده‌ی زیادی از طلاب علوم دینی و فقرا مصرف می‌شد. هم‌چنین هر روز، از طرف آستان حضرت معصومه علیها السلام و مزارهای سلطنتی ارزاق و خوار و بار، میان خدام و زوار توزیع و تقسیم می‌شد. (شاردن، ۷۶-۷۷)

۶-۲. حرفه‌ها و مشاغل

برخی از مهم‌ترین و رایج‌ترین مشاغل و حرفه‌های موجود در قم عصر صفوی عبارت بود از: کشاورزی، باغداری، سبزی‌کاری، (کاتف، ۶۰) سفال‌گری، (دولیه دلد، ۱۷) قالی‌بافی و

۱. به گزارش دولیه دلد در ایران صفوی، چهار قسم پول نقره رواج داشت به نام‌های: پنج شاهی، عباسی، محمودی و شاهی. پنج شاهی طبق محاسبه دولیه دلد، ۲۲ سل و شش دنیه ارزش داشت؛ عباسی معادل هیجده سل، محمودی معادل نه سل و شاهی چهار سل و شش دنیه ارزش داشت. دو قسم پول مس هم بود: قازبیکی و نیم قازبیکی. قازبیکی تقریباً دو لیر ارزش داشت. هر پنجاه عباسی یک تومان نامیده می‌شد. (دولیه دلد، ۷-۸).

آرایش گری، (فیگوئروا، ۲۵۱) راهداری، (کارری، ۵۶) سربازی و جنگاوری، (فیگوئروا، ۲۴۹-۲۵۰) شمشیرسازی، زره‌سازی (جوشن‌سازی)، (کاتف، ۶۰) چرم‌سازی، (کارری، ۵۴) صابون‌سازی، (شاردن، ۶۱/۳) تربتداری (تولیت هر یک از مزارهای سه‌گانه‌ی آستانه‌ی مقدسه)، امامت جماعت (جمعه)، اذان‌گویی، قندیلچی‌گری، قمی‌گری، آب‌کشی، (شاردن، ۷۷/۳) خدمت‌گزاری حرم و قرائت قرآن در مزارهای سه‌گانه‌ی آستان حضرت معصومه علیها السلام.

۳-۶. تولیدات

محصولات عمده‌ی کشاورزی و باغداری قم عبارت بود از: انواع سبزی‌ها، (کاتف، ۶۰) پسته، (شاردن، ۷۸/۳) برنج، انار، (تاورنیه، ۸۲) خربزه و هندوانه، (دلاواله، ۳۴۷) نوع خاصی از خربزه به نام شمامه، خیارچنبر (اولتاریوس / ۲ - ۵۲۷ - ۵۲۸) و گندم. (کارری، ۵۴) تولیدات مهم و مشهور قم عبارت بود از: سفال، (دولیه دلند، ۱۷) قالی، (فیگوئروا، ۲۵۱) شمشیر، زره، (کاتف، ۶۰) صابون، (شاردن، ۶۱ / ۳) چکمه‌های ساغری و دیگر اشیاء چرمی رنگارنگ. (کارری، ۵۴) نان قم مرغوب و آبش سرد بود (کاتف، ۶۰) و خربزه و هندوانه‌ی آن مورد توجه سیاحان فرنگی به خصوص دلاواله قرار گرفته بود که گویا ناپرهیزی او در خوردنش وی را به لحاظ وضعیت جسمی و گوارشی ناخوش کرده بود. (دلاواله، ۳۴۷)

اولتاریوس گزارش می‌دهد که در قم خربزه جالبی به عمل می‌آید که برخلاف خربزه‌های دیگر کروی شکل است و بوی زیادی دارد و به همین جهت «شمامه» نام دارد، ولی مزه و طعم این خربزه‌ها خوب نیست و باید آن‌ها را با شکر خورد. علاوه بر آن، در قم نوعی خیار به عمل می‌آید که خمیده و منحنی و بزرگ است و به همین جهت به آن «خیار چنبر» می‌گویند. این خیارها را در سرکه می‌اندازند و در فصل زمستان مصرف می‌کنند و خود خیار را هم به‌صورت خام با نمک می‌خورند که مزه و طعم خاصی دارد. جالب این‌که در قم عده‌ای از همراهان اولتاریوس به خاطر زیاده‌روی در خوردن خربزه‌های شیرین و دیگر میوه‌های معروف این شهر، بیمار شدند. (اولتاریوس، ۲ / ۵۲۷ - ۵۲۸)

شمشیرسازی و ظروف‌سازی در عصر شاه صفی اول، جزو صنایع دستی قم بود. شمشیرهای قم تیغه‌های تیز و برنده‌ای داشت که فولادش را از شهر نی‌ریز می‌آوردند و هر شمشیر بر اساس

تفاوت جنس، از دو تا ده تومان قیمت گذاری می شد. ظرف های قم هم سفالین و گلین بود و از خاک رس ساخته و در کوره های مخصوص پخته می شد. (اولثاریوس، ۲ / ۵۲۸)

۶-۴. صادرات

صادرات مهم شهر قم عبارت بود از: میوه جات تر و خشک (به خصوص انار)، صابون، تیغه های شمشیر و ظروف سفالین سفید و لعاب دار. عالی ترین صابون و بهترین تیغه شمشیر در سرتاسر ایران مخصوص صنعت گران شهر قم بود. کوزه های قم به خصوص از این جهت جالب توجه و مورد نظر بودند که در روزهای گرم تابستان آب آشامیدنی را خنک و دل پذیر می کردند؛ این خاصیت در نتیجه ی تخلخل و ترشح مدام آن ها بود. کسانی که خواهان آب گوارا و سرد بودند، از یک کوزه حداکثر بیش تر از پنج یا شش روز استفاده نمی کردند. آن ها برای دفع بوی گل، به طور معمول ابتدا کوزه را با گلاب می شستند؛ سپس، پر از آب می کردند، پارچه ی سفیدی به دورش می پیچیدند و در هوای آزاد آویزان می کردند. در شش ساعت اولیه، یک چهارم آب کوزه به بیرون تراوش می کرد؛ سپس به تدریج ترشح کمتر می شد، به طوری که روز به روز منافذ کوزه با املاح و اجرام آب، بسته می شدند. سرانجام توانایی این ظرف ها تحلیل می رفت و به علت عدم ترشح، آب در آن ها می گندید؛ بنابراین، کوزه را عوض می کردند. (شاردن، ۳ / ۶۱)

۷. جغرافیای فرهنگی

مردم شهر قم بسیار معقول، مؤدب و خوش مشرب بودند (شاردن، ۳ / ۷۸) و زنان شان به حضرت معصومه (علیها السلام) و زیارت گاه او اعتقاد بسیار داشتند. (دولیه دلد، ۱۷) آن ها همیشه در ایمان و عقیده خود استوار بودند و تا پای جان از باورهای خود پاسداری می کردند. (شاردن، ۳ / ۷۹-۸۰)

۷-۱. لباس و پوشاک

مردم قم لباس های گوناگونی می پوشیدند. برخی خوش لباس بودند، بعضی هم ژنده پوش بودند؛ لباس بعضی از آن ها تنها بالا پوش کهنه یا پوستین پاره ای بود؛ برخی هم لباس های فاخری می پوشیدند که حتی به طلا و مروارید آراسته بود. (گرس، ۱۹۶)

۷-۲. آیین زیارت حضرت معصومه علیها السلام

بر طارمی مزار حضرت معصومه علیها السلام نوشته‌هایی از ادعیه و اذکار آویخته بود که با آب طلا بر روی صفحات دباغی‌شده‌ی ضخیمی، به قطر اوراق بزرگ کاغذی، نوشته شده و مخصوص حضرت معصومه علیها السلام و خاندان مبارک ایشان بود. زیارت‌نامه در مقابل مدخل، روبروی واردشوندگان قرار داشت و هر زائری در آستانه‌ی ورود، سه بار آستان و نرده‌ی مزار را می‌بوسید و سپس صاف می‌ایستاد و به مزار نگاه می‌کرد؛ آن وقت، ملایی که یکی از خدمت‌گزاران دائمی آستان بود به زائر نزدیک می‌شد و او را واژه به واژه در خواندن زیارت‌نامه کمک می‌کرد. زائر، پس از خواندن ادعیه و اذکار لازم، طارمی مدفن و آستانه بارگاه را می‌بوسید و مبلغی برحسب توانایی‌اش به ملای یادشده می‌پرداخت و اگر زائری سند - گواهی - زیارت خود را می‌خواست، می‌توانست با پرداختن مبلغی آن را بگیرد. تمام نقدینه‌های تقدیمی زائران، به‌طور معمول در صندوقی آهنین و کوچک که شبیه مخروطی ناقص بود و در مدخل بارگاه قرار داشت، گردآوری می‌شد و روزهای جمعه آن را باز می‌کردند و محتویاتش را به روحانیون تحویل می‌دادند. (شاردن، ۶۹ / ۳)

نتیجه

به گزارش سیاحان اروپایی نان قم مرغوب، آبش بسیار سرد و خریزه‌اش مشهور بود. شهر قم در دوره‌ی صفویه رونق گرفت و به سوی کاشان گسترش یافت. این شهر از جمله شهرهای پرجمعیت و مرفه عصر صفوی بود، گردشگاه‌های عمومی و کاروان‌سراهای عالی و راحت و حتی دو طبقه داشت؛ و امام‌زادگان متعدد و مساجد بسیاری در گوشه و کنارش به چشم می‌خورد که حرم حضرت معصومه علیها السلام باشکوه‌ترین آن‌ها بود. رودخانه‌ی قم از وسط شهر می‌گذشت و به پهنای رود «سن پاریس» بود و دو نوبت در دوره‌ی صفویه طغیان کرد.

قم گرچه هوایی بسیار گرم و آزاردهنده داشت، به سبب موقعیت زیارتی و سیاحتی و درآمد‌هایش در زمره‌ی املاک خاصه و سلطنتی دربار صفوی درآمد بود و درآمد‌هایش مخارج دربار، صاحب‌منصبان، لشکریان و کارکنان سیاسی را تأمین می‌کرد و آنچه باقی می‌ماند در خزانه جای می‌گرفت. به سبب همین موقعیت ویژه‌ی قم بود که شاه سلیمان صفوی هم زمان سه تن از

رجال معتبر کشور را به تولیت قم گماشت و هریک از آنان سرپرست یکی از بارگاه‌های سه‌گانه‌ی آستان حضرت معصومه علیها السلام شدند و یکی از آن‌ها را نیز که مرتبه‌اش بالاتر از دو تن دیگر بود، به حاکمیت قم منصوب کرد.

مردم قم مردمی معتقد و متدین و از بهترین جنگاوران و سربازان ایران بودند که همواره رشادت خود را در جنگ‌ها نشان داده بودند؛ علاوه بر آن، صنعتگران مختلفی هم‌چون سفال‌گران، قالی‌فروشان، شمشیرسازان، جوشن‌سازان، چرم‌سازان و صابون‌سازان را در بین خود داشتند.

منابع

۱. اولتاریوس، آدام، *سفرنامه آدام اولتاریوس*، ترجمه حسین کردبچه، تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۷۹ش.
۲. تاورنیه، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۳۶ش.
۳. جمعی از سیاحان ونیزی، *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹ش.
۴. دلاواله، پیترو، *سفرنامه پیترو دلاواله*، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش.
۵. دولیه دلد، آندره، *زیبایی‌های ایران*، ترجمه محسن صبا، انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۵۵ش.
۶. شاردن، *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶ش.
۷. فربر، *سفرنامه شاردن: برگزیده و تشریح*، ترجمه حسین هژیریان و حسن اسدی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۴ش.
۸. فیگوئروا، دُن گارسیا دسیلوا، *سفرنامه فیگوئروا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳ش.
۹. کاتف، *سفرنامه کاتف*، ترجمه محمد صادق همایون فرد، تهران، انتشارات کتابخانه ملی ایران، ۱۳۵۶ش.
۱۰. کارری، جملی، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ۱۳۴۸ش.
۱۱. کمپفر، *سفرنامه کمپفر به ایران*، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳ش.
۱۲. کنتارینی، آمبروسیو، *سفرنامه آمبروسیو کنتارینی*، ترجمه قدرت‌الله روشنی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹ش.
۱۳. گرس، *سفیر زیبا*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران، انتشارات تهران، ۱۳۷۰ش.